

پیامبر در شعر سیاسی

(سیمای پیامبر اسلام (ص) در شعر سیاسی دهه های چهل و پنجاه)
فرهاد طاهری

اشاره

مقاله حاضر صورت گسترده شده و سروسامان یافته موضوع یکی از سلسله سخنرانی های من در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو است. در طی مدتی که در دهلی نو بودم (از مرداد 1388 تا خرداد 1389) در مرکز تحقیقات زبان فارسی رایزنی فرهنگ ایران در دهلی نو، انجمن ادبی بیدل دهلوی هر ماه معمولاً محفل ادب و سخنرانی برگزار می کرد. من هم در بیشتر این محافل یکی از سخنرانان بودم که به مقتضای حال در موضوعی سخنرانی می کردم. بعضی از موضوعات و عناوین سخنرانی هایم تا آنجا که به خاطر دارم عبارت است:

بررسی تحقیقات مولوی شناسان معاصر (عبدالحسین زرین کوب ، بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی ، سیدجعفر شهیدی ، تقی پورنامداریان ، محمدحسن ناصرالدین صاحب الزمانی) ، نقش تاریخی و خلاقیت فردی حافظ، سهم استاد شفیعی کدکنی در معرفی حزین لاهیجی ، هم زیستی مسالمت آمیز حیوان و گیاه و انسان در سرزمینی طوطیان، بررسی شخصیت و شیوه شاعری قیصر امین پور، ویژگی های آداب نوروز در نزد ایرانیان و تفسیر عناصر سفره هفت سین ، تأملی در شخصیت و آثار زنده یاد دکتر خسرو فرشیدورد، قصه بدحالان و خوشحالان در آثار عطارنیشابوری
و...

موضوع این مقاله نیز از مباحث سخنرانی های من در خانه فرهنگ ایران بود اما به دلایلی این سخنرانی ایراد نشد. پس از بازگشت از هند، به مناسبتی بر آن شدم تا یادداشت های پراکنده آن سخنرانی ناکام را سروسامانی دهم.

موضوعات و مفاهیم شعر معاصر ایران طی سال های 1320 تا 1357 در مقالات و کتاب های بسیاری بررسی شده است و هر یک از محققان و پژوهشگران عرصه ادبیات معاصر ایران بنا به زمینه های فکری و علائق خود کوشیده اند تا ضمن معرفی شاعران نامدار و صاحب سبک این برهه زمانی و تحلیل اشعار آنان، دهه های 1320 تا 1357 را که بی شک مهم ترین بخش تاریخ معاصر ایران بوده و منشأ تحولات مهم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی نیز به شمار آمده است به ادوار کوتاه تری تقسیم کنند و بر مبنای این تقسیم بندی تصویری دقیق تر از آنچه در شعر معاصر روی داده است در پیش چشم خوانندگان بگذارند. پذیرفته ترین و رایج ترین این تقسیم بندی، که معمولاً ملاک تحقیق ادب پژوهان معاصر است دهه های 1320 تا 1357 را در سه مرحله می داند:

الف) از 1320 تا 1332 ش

ب) از 1332 تا 1342 ش

ج) از 1342 تا 1357 ش

الف) از 1320 تا 1332 ش. یعنی از خلع رضاشاه پهلوی از سلطنت تا وقوع کودتای 28 مردادماه 1332 و سرنگونی دولت ملی دکتر محمد مصدق. موضوع غالب شعرهای سیاسی در این دوره عمدتاً درباره اندیشه ها و افکار چپ گرایی (حزب توده) و ملیت پرستی

(طرفداران نهضت ملی نفت به رهبری دکتر مصدق) است. و حوادثی چون تکاپوهای سیاسی برای انتخابات، تظاهرات به مناسبت های مختلف، ترورها و قتل های سیاسی، زندان ها و اعدام های حکومت استبدادی شاه و متعاقب آن تأسیس سازمان امنیت اطلاعات کشور از ویژگی های بارز این دوران است. شاعران سیاسی این دوران را می توان به سه گروه دانست:

1. شاعران مردم پسند، یعنی شاعرانی که شعرشان در میان توده های مردم عامی و کم سواد رایج است و اغلب در روزنامه ها منتشر شده است. شاعرانی چون محمدعلی افراشته، نصرت الله نوح و محمد کلانتری از زمره این گروه به شمار می آیند.
2. شاعران ملی گرا که با گرایش به اندیشه ملیت پرستی و نهضت ملی نفت اشعاری در این موضوعات سروده اند. از جمله این گروه باید به کسانی چون عبدالعلی ادیب برومند، صادق سرمد، ارسلان پویا، حیدر رقابی و فرخ تمیمی اشاره کرد.
3. شاعران نوگرا، یعنی شاعرانی که عمدتاً با افکار مارکسیستی و در قالب نیمایی، مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه خود را در اشعارشان نماینده اند. احمد شاملو، اسماعیل شاهرودی، مهدی اخوان ثالث، هوشنگ ابتهاج، سیاوش کسرایی، شاخص ترین

شاعران شعر سیاسی این دوره هستند. همه شاعران سیاسی نوگرا به چپ گرایش دارند و جز شاملو، همگی جزو حزب توده بوده اند. بعدها بیشتر این شاعران به مسائل اجتماعی روی آوردند و از شعر سیاسی و افکار چپی فاصله گرفتند.

ب،ج. از 1332 تا 1357. در این دوره فعالیت های فرهنگی و سیاسی چندی علیه حکومت سلطنتی انجام می گیرد و نقش روحانیون مذهبی و روشنفکران دینی در مخالفت با رژیم شاه پررنگ می شود. راهپیمایی ها و تظاهرات مردم به طرفداری از رهبران دینی و مراجع، تبعید و به زندان افتادن سرکوب آنان به دست ارتش و نیروهای امنیتی حکومت از ویژگی های این دوران است. در طی این دهه در کنار شاعران ملی گرا و نوگرا، شاعران مذهبی نیز پا به عرض حضور در اجتماع می گذارند و در موضوعاتی چون بعثت نبوی پیامبر اسلام، قیام امام حسین و فاجعه کربلا و مسئله انتظار و غیبت امام عصر، به صراحت یا به تلویح مخالفت خود را با رژیم در قالب اشعاری به سبک نو یا سنتی منتشر می کنند. محمدرضا شفیعی کدکنی، مهرداد اوستا، علی موسوی گرمارودی، طاهره صفارزاده، نعمت میرزازاده، محمدعلی سپانلو، جواد محدثی، محمدحسین

بهجتی و ... از زمره ی شاعران این دو دهه باید دانست¹.

آنچه مسلم است در ایران دوره مورد بحث ، وجود فساد دستگاه حاکم ، خودکامگی رژیم که تنها فکر و حرف خود را می پسندید و جز آن را بر نمی تافت، بازار تعهد عقیدتی را در شاعران گرم تر کرد. اما باید به یاد آورد که منظور از تعهد سیاسی در شعر این دوره بنا به منابع موجود عمدتاً تعهد سیاسی به جریان های چپ و پای بندی به اصول و افکار مارکسیستی است، و اگر شاعرانی در این دهه ها بر آن شده اند تا در قالب اشعار خود به مخالفت و انتقاد از رژیم برخیزند مفاهیم و موضوعات و استعارات و دیگر صور خیالی شعرشان رنگ و بوی غیرمذهبی داشته است. نگاهی به قطعنامه نخستین کنگره نویسندگان ایران در چهارم تیرماه 1325 که در انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی برگزار شد به خوبی موید این معناست. از مقدمه قطعنامه و کلیات آن که درباره آزادی و عدل و دانش و دفع خرافات بوده است بگذریم می بینیم کنگره خواستار مبارزه با فاشیسم، حمایت از صلح جهانی، افکار بشردوستی و دموکراسی حقیقی است و روی آوردن به خلق و استواری مناسبات فرهنگی را با

1- برای اطلاع از این تقسیم بندی ها و ویژگی های هر یک از ادوار یاد شده نک: شفیعی کدکنی، محمدرضا، ادوار شعر فارسی، تهران، انتشارات سخن، 1380، ص 45-69؛ عابدی، کامیار، شبان بزرگ امید، تهران، کتاب نادر، 1379، ص 99-113؛ حقوقی، محمد، شعر نو از آغاز تا امروز، تهران، نشر روایت، 1371، ج 1 از ص 226 به بعد

دموکراسی های ترقی خواه و بالاخص اتحاد شوروی مدنظر دارد¹. نیز باید در نظر داشت که بیشتر شاعران و نویسندگان با توجه به اوضاع اجتماعی و سیاسی آن زمان اصولاً کسی را مبارز و مخالف رژیم و شاعری را شایسته ی اعتنا می دانند که اصطلاحاً چریکی (کلمه چریک در آن زمان به مبارزان ضد حکومت شاه با افکار غیرمذهبی اطلاق می شده است) عمل کرده است. به طوری که کسی مانند شاملو به صراحت در مصاحبه ای درباره شعر معاصر زمان خود می گوید:

«خط اصلی شعر امروز ما در جهت اجتماعی کردن من فردی شاعر حرکت می کند و دست کم چهل سالی هست که جامعه از این زوایه به شعر نگاه کرده و من شاعر را در این ترازو کشیده است. شعر و ادبیات ما از لحاظ تاریخی کل یکپارچه ای است که از حدود سی سال پیش تا به امروز مانند یک واحد چریکی عمل کرده است. تاریخ شعر و ادبیات مبارز معاصر را همپشتی اهل سنگر به وجود آورده است. شعر و ادبیات ما کل به هم پیوسته ای است که دست کم از حدود سال 40 13 به این طرف مانند یک واحد چریکی عمل کرد...»².

حتی غیر از شاعران، بعضی منتقدان و نظریه پردازان نامدار شعر معاصر ایران نیز شعر سیاسی و متعهد این دوره را اختصاصاً اشعار غیرمذهبی دانسته اند. تا

1- مسکوب، شاهرخ، چند گفتار در فرهنگ ایران، تهران، نشر زنده رود، 1371، ص 157-159
2- مصاحبه جواد مجابی و غلامحسین نصیری پور با شاملو، مجله دنیای سخن، شماره 25، اسفندماه 1367..

جایی که شاهرخ مسکوب شعر شاملو را نمونه تمام نمای شعر متعهد می داند و بر آن است که شعر شاملو، شعر زندگی و در حقیقت چکیده نظریات و آرزوی ادب متعهد روزگار ماست¹. و برای گفته خود به این شعر شاملو استناد می کند:

موضوع شعر امروز
موضوع دیگری
ست ...

امروز شعر
حربه خلق
است

زیرا که شاعران

خود شاخه ای ز جنگل خلقند

نه یاسمین و سنبل گلخانه ی فلان

بیگانه نیست

شاعر امروز

با دردهای مشترک خلق

او با لبان مردم
لبخند می زند

درد و امید مردم را

با استخوان خویش پیوند می زند²

همچنین بسیار جای تعجب است که مشهورترین محققان شعر معاصر ایران، از جمله دکتر شفیعی کدکنی که خود از جمله شاعران نوپرداز مذهبی نیز بوده است و دکتر رضا براهنی و شمس لنگرودی و محمد حقوقی به هنگام

1- مسکوب، شاهرخ، همان، ص 167

1- مسکوب، شاهرخ، همان، ص 169

بررسی تحول و مفاهیم شعر معاصر در آثار خود حتی
ذکری، ولو به اختصار، از شعر مذهبی سیاسی نکرده
اند. این محققان، غیر از دکتر شفیعی کدکنی که
موضوع تحقیق خود را به اختصار برگزار کرده است، در
آثار پربزرگ خود به تمامی جوانب شعر معاصر مانند
نشریات، مجموعه های شعر نو، معرفی افکار و آثار
شاعران نوگرا، تحلیل سیاسی و اجتماعی اشعار
معاصران، انواع شعر معاصر چون شعر جنبش نوین، شعر
جدولی، شعر چریکی، شعر سپید، شعر عاشقانه قاجار،
شعر غنایی، شعر فلسفی بعد از کودتا، شعر منثور و
... مفصل توجه کرده و بدان پرداخته اند¹. تنها دلیل
این امر را باید در کم رنگی شعر مذهبی و حضور
بسیار ناچیز شاعران مذهبی در عرصه ادبیات معاصر
ایران دانست که آن نیز خود معلول دو حادثه مهم در
تاریخ معاصر ایران است: الف- تقویت اندیشه ملی
گرایی و احیای مواریت و اسطوره های فرهنگی و سیاسی
ایران پیش از اسلام با روی کار آمدن سلسله پهلوی ؛
ب- گسترش افکار مارکسیستی و فعالیت گروه های
سیاسی چپ گرا با تشکیل حزب توده در ایران در بعد
از سقوط رضاشاه. البته باید بی توجهی یا بهتر
بگوییم بی اعتنائی روشنفکران و عالمان دینی را در
ترویج و گسترش ادبیات دینی در میان جوانان و
نوجوانان آن دوران از یاد نبرد. این گروه یا به

2- از جمله نک: شفیعی کدکنی، محمدرضا، همان، ص 17، 35، 52، 53، 66- 81.

دلیل ناآشنایی به عوالم فکری جامعه و یا به دلیل بیگانه بودن با نوع زبان و نوشتاری که بتواند در برابر آثار جذاب و پرخواننده روشنفکران چپ قد علم کند و آثار آن را از افکار توده مردم بزدايد نتوانستند آن طور که باید و شاید سخنی جذاب از افکار دینی در پیش چشم اذهان کنجکاو و بعضاً گمراه جامعه بگذارند. این نقطه ضعفی بود که بعدها روشنفکران دینی چون غلامرضا سعیدی، مهدی بازرگان، علی شریعتی، شهید مرتضی مطهری بدان پی بردند و در صدد جبران آن شدند و از عهده آن نیز موفق بیرون آمدند.

تحلیل و بررسی تاریخی اینکه چرا نوگرایی و روشنفکری در ادبیات عمدتاً رنگ و بوی چپی داشته است و یا چرا تعداد شاعران مذهبی روشنفکر و متعهد در دهه های 40 و 50 در مقایسه با شاعران چپ گرا بسیار اندک بوده است البته خود تحقیقی مفصل می طلبد. اما آنچه در حین جمع آوری منابع این نوشته بر پژوهنده مسلم شد، قلت منابع شعر مذهبی سیاسی در مقایسه با دیگر حوزه ها و مفاهیم شعر معاصر ایران بود. به هر روی بر آنچه به دست آمد بسنده شد تا در ترسیم و تصویر شعر متعهد سیاسی دهه های چهل و پنجاه بر مهم ترین شاعران این عرصه یعنی نعمت میرزازاده، علی موسوی گرمارودی و طاهره صفارزاده انگشت تأکید نهاده شود و در کنار آن نیز مباحثی

جاتبی درباره سیر مدح و ستایش پیامبر در شعر فارسی و نیز در اشعار شاعران معاصر تقدیم شود .

ستایش پیامبر در شعر فارسی

ستایش پیامبر اسلام (ص) در شعر فارسی ، پیشینه ای کهن دارد و اغلب شاعران نامدار و مهم عرصه ادبیات فارسی که از قرن چهارم هجری به بعد می زیسته اند به چهار شیوه مدح پیامبر را در اشعار خود نمایانده اند. نخست گروهی که در مقدمه منظومه ها و دیوان های خود، ستایش پیامبر را به منزله تبرک و زینت بخش ابیات آغازین آثار خود آورده اند. در این دسته از اشعار ، معمولاً پس از ستایش خداوند، ستایش و مدح پیامبر اکرم دیده می شود و پس از آن به اقتضای نوع مذهب شاعر، ستایش خلفا یا مدح اولین امام معصوم شیعیان یا ستایش حاکم یا فرمانروای سرزمین اقامت آن شاعر ادامه دهنده مقدمه شده است. نوع وصف در این ستایش ها عمدتاً بیانگر میزان ارادت شاعر به پیامبر، تصویر استعاری و خیال انگیز از معجزات و کرامات آن حضرت، بازآفرینی هنری بعضی حوادث زندگانی آن حضرت و طلب بخشش و اعطای مواهب الهی در دنیا و آخرت از خداوند به واسطه شفاعت پیامبر بوده است. این نوع توجه به پیامبر در مقدمه مثنوی های مشهور ادب فارسی مانند شاهنامه فردوسی، منطق الطیر عطار، بوستان سعدی، مخزن الاسرار نظامی و ... دیده می شود.

در نوع دوم، شاعران معمولاً در قصیده ای یا غزلی یا مثنوی با ترکیب بندی اختصاصاً به ستایش و مدح پیامبر پرداخته و عواطف و احساسات خود را به آن حضرت بیان کرده اند. مانند آنچه در اشعار سعدی، سنایی، ملک الشعرای بهار، عبدالرزاق اصفهانی، خاقانی و بسیاری شاعران دیگر به فراوان یافت می شود. مضمون و محتوای این گونه اشعار نیز تقریباً همانند نوع اول ستایش ها از پیامبر است.

در نوع سوم، ستایش پیامبر نه در مقدمه منظومه آمده و نه قالبی از شعر (غزل یا قصیده) به مدح آن حضرت اختصاص یافته است. بلکه شاعران در ضمن بیان داستان ها یا مواظ حکمی و اخلاقی خود با ستایش و مدح پیامبر به یکی از سخنان یا وقایع زندگی یا تأثیر معنوی و اخلاقی آن حضرت در یاران خود استناد کرده اند و این توجه در حکم استناد عقلی و دینی برای قوت کلام و تأثیر آن در خوانندگان بوده است. شواهدی از این دست را می توان جابه جا در مثنوی مولوی، بعضی مثنوی های جامی و غیره به راحتی به دست آورد. در نوع چهارم، که باید تاریخ نگاری منظوم اسلام و ایران در بعد از شاهنامه فردوسی به حساب آورد شاعرانی بر آن شده اند تا تاریخ اسلام را در قالب مثنوی (البته با تقلید از شاهنامه فردوسی) از زمان سقوط سلسله ساسانی (یعنی مقطع زمانی که شاهنامه بدان ختم شده است) به بعد تا پایان اخلافت بوبکر و

عمر و عثمان (و گاه تا پایان دوران امامت حضرت علی (ع)) بسرایند. در این منظومه ها، چه در مقدمه و چه در ضمن آن، مدح و ستایش پیامبر همواره اصلی ترین موضوع کتاب بوده است¹. نگاهی اجمالی به سیر شعر مدحی از پیامبر نشان می دهد که بیشترین قالب ها برای ستایش پیامبر قصیده و مثنوی و نخستین کسی که اختصاصاً شعری شایسته اعتنا در مدح پیامبر سروده سنایی غزنوی بوده است. انتخاب قالب مثنوی را برای این مقوله بی شک باید در آزادی عمل بیشتر شاعران سراغ گرفت که در این قالب به دلیل مقید نبودن در قافیه و ردیف به راحتی می توانستند مطالب متنوع و بسیار از جنبه های مدح و زندگانی پیامبر در اشعار بگنجانند. اما انتخاب قالب قصیده شاید اندکی تأمل بیشتر نیاز داشته باشد. می دانیم که انواع شعر فارسی، غیر از غزل که نام خود را از مفهوم گرفته، برمبنای قالب نامگذاری شده است. قصیده نیز از همین گروه بوده یعنی شعری که به مناسبت منظوری سروده شده و قصد شاعر را برآورده است. در تاریخ شعر فارسی این قصد در دو نوع خود را نمایانده است: قصدی که در آن شالوده کاخ شعر و برآورنده آن، خوشایندی امیر، وزیر و صله پردازان بوده است. قصایدی که با تشبیب، با عشق جوانی، بهار، طبیعت،

1- نک: همایون نامه، تاریخ منظوم حکیم زجاجی، تصحیح علی پیرنیا، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، 1383

شراب و شادخواری و وصل و فراق آغاز می شود و همه اینها مقدمه ای است برای مدح و گرفتن چند اسبی، مالی و منالی یا نواله ای مانند آنچه در انوری، فرخی، امیر معزی و غیره می بینیم.

اما قصد دیگری نیز در میان است. پدیده های طبیعی و حال های نفسانی به مصلحت حقیر فردی گماشته نمی شود. بلکه تعهد دینی، وظایف اجتماعی، وجدان اخلاقی، اندیشه عدالت خواهی و مبارزه با حاکمان جور بر هوای نفسانی چیره می شود و شاعر را بر آن می دارد تا به مقتضای اوضاع زمانه خود هر یک از این مفاهیم را در شعری بگنجاند و دسترس ترین آن پناه آوردن به مثال و شواهد تاریخی است تا تلویحی سخن خود را به گوش مردم و ظالمان برساند و از اینجاست که مدح پیامبر در قصاید تا حدی بر آن است این وظیفه را به دوش کشد¹. البته در طی تاریخ شعر، از ناصر خسرو که بگذریم و او را باید آغاز کننده واقعی و آشکار این راه دانست، این شیوه تقریباً کم رنگ و ناملموس جلوه کرده است. این شیوه، که باید آن را شعر متعهد سنتی نامید، با تحول زمانه و تحول صورت های شعر فارسی نیز همگام بوده است بدین معنی که با ورود قالب های جدید شعر چون چهارپاره و شعر نیمایی، این نوع شعر تعهدی و دینی هم مجال ظهور در این قالب ها یافته است. مانند آنچه در اشعار ادیب الممالک فراهانی،

1- برای اطلاع بیشتر از این تحلیل از جمله نک: مسکوب، شاهرخ، همان، ص 188-189

یا در آثار نوپردازانی چون علی موسوی گرمارودی و طاهر صفارزاده و نعمت میرزازاده دیده می شود.

پیامبر در شعر سیاسی و مذهبی مهم ترین شاعران این دوره

نعمت میرزازاده (آزم) (مشهد اول اسفند 1327-)
وی پس از طی تحصیلات ابتدایی در مشهد وارد مدرسه فنی و حرفه ای شد و پس از فارغ التحصیلی از آنجا به استخدام اداره پست و تلگراف درآمد. او فعالیت ادبی خود را با انتشار مقالاتی در مجله هیرمند (به سردبیری عبدالمجید مجید فیاض) آغاز کرد و بعدها با همکاری محمدرضا شفیعی کدکنی کتاب **شعر امروز خراسان** را در 1342 انتشار داد. آزم را باید در کنار علی شریعتی، اسماعیل خویی و محمدرضا شفیعی کدکنی از اولین کسانی دانست که در مشهد طلایه دار و حامی ادبیات و شعر نو و از طرفداران نیما یوشیج بودند. غیر از شریعتی، این سه تن، که به شاعری قدم گذاشته بودند، در آغاز تجربه های شعری، همگی با پیروی از همشهری خود مهدی اخوان ثالث به سرایش شعر می پرداختند. اولین مجموعه شعر آزم که حاوی مضامین انقلابی و اسلامی است، مجموعه **لیله القدر** نام دارد که شعرهای آن طی سال های 1340 تا 1349 سروده شده است. در این مجموعه، شعر بلندی با عنوان «پیام» به چشم می خورد که منظومه ای بلیغ در ستایش پیامبر

اکرم بوده و در هفتم اسفند 1343 به دعوت فراخوان حسینیه ارشاد به نظم آمده است. از دیگر شعرهای مهم مذهبی و سیاسی این دفتر باید به منظومه های غدیر (قصیده ای غرا در واقعه غدیر به تاریخ سرایش بهمن 1347)¹ خون شفق (به سبک شعر نیمایی درباره شب شهادت حضرت علی (ع) به تاریخ سرایش بهمن 1341)² رایت انقلاب (شعری در قالب قصیده و به سبک خراسانی درباره تولد امام خمینی به تاریخ سرایش دی ماه 1341)³؛ تبعیدی ربذه (شعری در قالب نیمایی و در ستایش ابوذر غفاری صحابی حضرت رسول و از یاران امام علی (ع) به تاریخ سرایش مردادماه 1344) اشاره کرد.⁴ در آغاز مجموعه ليله القدر (چاپ 1357 که مستند این تحقیق بوده است) یادداشتی از آزر و نیز نامه ای از مرحوم دکتر شریعتی خطاب به شاعر مجموعه (به تاریخ اول مه 1341/1962 ش) آمده است.

آزر در مجموعه شعرهای پس از ليله القدر (مانند سحوری، تهران، رواق 1357؛ گلخون، تهران، تیرنگ، 1358) کم کم از تفکر مذهبی فاصله می گیرد و به سرودن اشعار سیاسی و انقلابی روی می آورد. هر چند گاهی نیز در ضمن اشعار سیاسی و انقلابی خود به

1- میرزازاده، نعمت (م. آزر)، ليله القدر، تهران، 1357، ص 65

1 همانجا، ص 89

2- همانجا، ص 111

3 - همانجا، ص 123

تفکرات مذهبی (مانند ستایشی که از امام خمینی در شعر معروف «به تو سوگند» در مجموعه سه نامه به امام خمینی دیده می شود) نیز بی اعتنا نیست¹. مهم ترین موضوعات سیاسی و انقلابی که آزر در آن اشعاری در مجموعه های **سحوری و گلخون** سروده است می توان به اینها اشاره کرد: شعر چریکی «حماسه ای در شرق» (در قالب نیمایی به تاریخ سرایش خرداد 1344 در مجموعه سحوری)²، شعری در قالب نیمایی با عنوان «برای شهیدان» (به تاریخ سرایش خرداد 1346 در مجموعه سحوری)³، شعری در قالب نیمایی با عنوان «مجسمه آزادی» در ستایش چه گوارا و پاتریس لومبا (به تاریخ سرایش آذر 1346 در مجموعه سحوری)⁴، شعری در قالب سپید (به سبک شاملو) با عنوان «تفاوت» درباره 28 مرداد 1332 و شکست نهضت ملی به رهبری دکتر مصدق (به تاریخ سرایش مردادماه 1345 در مجموعه ی سحوری)⁵، و نیز اشعاری درباره زندانیان آزاد شده، همافران، امیر پرویز پویان یکی از اعضای چریک مارکسیست، ستارخان، شیخ فضل الله نوری در مجموعه ی **گلخون**⁶. آزر را باید شاعری دانست که در دوره شاعری

4- جعفریان، رسول، جریان ها و سازمان های مذهبی- سیاسی ایران، تهران، ناشر مؤلف، 1385، ص 695-696

5- میرزازاده، نعمت (م.آزر)، **سحوری**، تهران، انتشارات رواق، ص 16

6- همانجا، ص 72

7- همانجا، ص 89

1- همانجا، ص 156

2- جعفریان، رسول، همانجا

خود دستحوش تحولات عمیق فکری شده است چنانکه در آغاز شاعری با تفکر مذهبی و اسلامی قدم به راه گذاشت در میانه راه، شیفته اندیشه های تند و انقلابی و گاه چریکی شد و در بعد از انقلاب به خارج از کشور رفت و به انجمن های سیاسی و ادبی ضدانقلاب پیوست. کما اینکه او در تحقیقات ادبی نیز شیوه مشخصی در پیش نگرفت. گاهی شیفته شعر نو و نیمایی شد و گاه درباره بهار و انتشار اسناد قدیمی و داستان سیاوش در شاهنامه مقاله نوشت¹. اما در مجموع شیوه شاعری و شعر او را این گونه می توان توصیف کرد:

1. تفکر ضدغربی در اشعار او با تأثیرپذیری از کتاب **غربزدگی** جلال آل احمد و بازگشت به خویشتن² دکتر شریعتی.

2. موضوع دینی اشعار او به ویژه در مجموعه **لیلہ القدر**، هر چند وی در مجموعه **سجوری** به بعد به عنوان شاعری با گرایش تند سیاسی و انقلابی شناخته شد.

3. زبان پخته و لحن سبک خراسانی شاعر که تسلط او را بر ادب قدیم فارسی نشان می دهد.

3- میرزازاده، نعمت (م.آزم)، «شبه سنایی به قلم بهار»، راهنمای کتاب، سال هفدهم، (1353)، ص 778-781 و نیز نک: میرزازاده، نعمت، «گنگ دژ روایتی الحاقی در داستان سیاوش»، سیمرغ، شماره 1، 1352، ص 83-95

4. انعکاس اوضاع زمانه و رشد تمایلات چریکی در بخش اعظم اشعار شاعر¹.

تحلیل شعر پیام ، مهم ترین شعر مذهبی و سیاسی آزر

شعر بلند پیام را باید تصویر کاملاً شاعرانه از سرگذشت، بعثت و رسالت پیامبر اکرم (ص) دانست. در این شعر مفاهیم عرفانی، مذهبی و سیاسی در هم آمیخته شده اند. در صفحه تقدیم شعر عبارت «به آنکه در خوابم فرمود: بگو» دیده می شود که به اعتقاد بعضی منظور از آن امام خمینی بوده است². قالب شعر قصیده و زبان و وزن شعر به سبک قصاید قدیم فخیم و سنت گرای سبک خراسانی است که اشعار شاعرانی چون مسعود سعد و فرخی و ناصرخسرو را به یاد می آورد. شعر با توصیف لحظه مبعوث شدن پیامبر شروع می شود:

بخوان به نام خدایت که آفرید بشر
طنین فکند ندا نیمه شب به کوه و کمر

مفاهیم و اشارات و موضوعات قرآن و نهج البلاغه درباره بعثت نبوی و آفرینش آسمان و زمین ، بیشتر حضور را در شعر پیام دارند و شاعر با تسلط بر آیات قرآن جابه جا از صنعت تلمیح سود جسته و محتوای اشعارش را به مفاهیم قرآنی مزین کرده است که بیشترین این تلمیحات را می توان در صفحات 11، 18،

4- در این باره از جمله نک: شمس لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد چهارم، تهران، نشر مرکز، 1377، ص 75-76

2- جعفریان، رسول، همانجا

20 تا 26، 28، 30 تا 33، 36 تا 42 (در مجموعه ی ليله القدر) مشاهده کرد.

شاعر پس از بیان سرگذشت کودکی و چگونگی تربیت پیامبر(ص) به مهم ترین حوادث مقارن تولد آن حضرت مانند شکافته شدن کنگره قصر کسری انوشیروان (ص 15) و خاموشی آتشکده آذرگشسب (ص 16) می پردازد. در شعر پیام، آزر م معمولاً در یادکرد نام پیامبر اکرم (ص) از تشبیهات و استعاراتی چون: صخره، خورشید، خروش، فروغ سحر، و پیک نجات (از جمله نک: ص 13، 14) استفاده کرده است. در ادامه شعر، حوادث تاریخی دوران پیامبر مانند سرگذشت زندگی وی (ص 13، 14)، آداب و رسوم عرب جاهلی چون زنده به گور کردن دختران (ص 24، 27) معروف ترین جنگل های پیامبر با کفار یعنی بدر، احد، خندق، خبیر (ص 44) ذکر یاران و صحابی پیامبر از جمله ابوذر، عمار، مالک اشتر، سلمان، بلال (ص 49) دیده می شود.

شعر پیام از ص 39 به بعد (در مجموعه ليله القدر) کم کم از حالت مذهبی صرف و روایتگری خارج می شود و رنگ سیاسی و انقلابی به خود می گیرد. از اینجا به بعد شاعر با الگو قرار دادن شیوه پیامبر در زمامداری مسلمانان، مفاهیم عدالت گستری و ستیز با ظلم و غارتگری را در لابه لای اشعار خود می گنجاند (طی صفحات 39 تا 45) و مسلمانان و مردم جهان را به

تشکیل امت واحد و برابری و مساوات میان انسان ها دعوت می کند (ص 42) و درباره وظایف و شرایط زمامداران و حاکمان دوران خود داد سخن می دهد (ص 46) و با زبانی نیش دار و رمزی به حاکمان روزگار خود در غفلت از قرآن و اسلام هشدار می دهد (ص 50-51) وی در نهایت تنها راه نجات مردم و بشریت را در پناه آوردن به قرآن و سنت نبوی می داند (ص 52-53).

سیدعلی موسوی گرمارودی (قم 1320-). گرمارودی پس از طی تحصیلات ابتدایی و نیز گذراندن دروس حوزوی وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و لیسانس حقوق گرفت. وی فعالیت ادبی خود را با انتشار مقالات ادبی و شعر در مجله نگین (به سردبیری محمود عنایت) آغاز کرد. در پیش از انقلاب اسلامی مدتی نیز به سبب فعالیت های سیاسی علیه حکومت دستگیر و زندانی شد. در بعد از انقلاب اسلامی سمت هایی چون سرپرستی سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (فرانکلین سابق و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی بعدی)، رایزنی فرهنگی ایران در تاجیکستان را به عهده داشته است. او چندی نیز به کار مطبوعاتی سرگرم شد و مجله ادبی **گلچرخ** را منتشر کرد. بعدها (در دهه 70) در رشته زبان ادبیات فارسی ادامه تحصیل داد و با نوشتن رساله ای تحت عنوان «شعر و زندگی ادیب الممالک فراهانی» به راهنمایی دکتر سید جعفر شهیدی به خد

درجه دکتری نایل آمد. . گرمارودی در کنار سرودن شعر، به تحقیق و ترجمه نیز علاقه مند بوده و آثاری در این زمینه ها منتشر کرده است که از جمله آن باید به اینها اشاره کرد: **داستان پیامبران، در مسلخ عشق، قلم انداز، دگرخند، از ساقه تا صدر، در کرانه با دریا، منشور دادگری، ترجمه قرآن مجید، سرود آسمانی** (ترجمه صحیفه سجادیه) . از دیگر فعالیت های فرهنگی او تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و دانشکده مذاهب اسلامی بوده است.

گرمارودی را باید از زمره شاعرانی دانست که در پیش از انقلاب عمدتاً در سرایش شعرهایش به موضوعات مذهبی و انقلابی توجه کرده است. در واقع باید گفت وی بیش از دیگر شاعران هم عصر خود، از جمله آزرم و محمدرضا شفیعی کدکنی، اشعار مذهبی سروده است. با این تفاوت که او این نحله فکری خود را در بعد از انقلاب نیز دنبال کرد (برخلاف آزرم) و گرایش های مذهبی خود را از دست نداد و همچنان به اصول فکری اسلامی پای بند مانده و با رویکرد مذهبی به سرودن شعر، و بیشتر در قالب های نیمایی و نو، ادامه داده است. مهم ترین وجه تمایز گرمارودی با آزرم در آن است که آزرم به سبب گرایش های چریکی کمتر در مجامع فرهنگی و نشریات ادبی حضور داشت و شهرتش عمدتاً محفلی بود ؛ در حالی که گرمارودی با پاره ای از مجلات خوشنام روشنفکر همکاری نزدیک می کرد و شهرتش

عام تر بود. این اشتهار هنگامی فراگیرتر شد که شعر نیمایی او در ستایش پیامبر با عنوان «خاستگاه نور» در مسابقه شعر نو که به مناسبت آغاز پازدهمین قرن بعثت پیامبر اسلام **مجله یغما** در مهرماه 1347 برگزار کرده بود، برنده بهترین شعر شد و در نشریات فراوانی به چاپ رسید و در محافل مذهبی بسیاری خوانده شد¹. از گرمارودی مجموعه شعرهایی چون **خط خون، سرود رگبار، در سایه سار نخل ولایت، عبور، دست چین** و گزیده اشعار (به کوشش بهاء الدین خرمشاهی) تاکنون منتشر شده که بر غالب آن ها مفاهیم مذهبی و انقلابی سایه افکنده است. اما دو مجموعه **معبود** و **در سایه سار نخل ولایت** را باید دفترهای شعری کاملاً مذهبی و سیاسی دانست که در آن گرمارودی کوشیده است تا مفاهیم مذهبی و سیاسی موردنظر خود را بیشتر در قالب نیمایی و شعر سپید بسراید؛ یعنی شیوه درست خلاف شیوه آزر، چرا که آن شاعر بیشتر به قالب های کهن و قدمایی (سبک خراسانی) گرایش داشت و کمتر از قالب های نو بهره می گرفت.

نگاهی فهرست وار به بعضی اشعار دو دفتر **عبور** و **در سایه سار نخل ولایت** گرمارودی تا حدی خط سیر فکری مذهبی شاعر را نمایان می کند. در **عبور** این شعرهای سیاسی و مذهبی به چشم می آید: «در سوگ آن درخت که ایستاده مرد» (شعری با موضوع سیاسی و انقلابی در

1- نیز نک: شمس لنگرودی، همان، ص 79-80

سوگ جلال آل احمد در قالب نیمایی به تاریخ شهریور 1348)¹، «آهن آجین» (شعری با موضوع سیاسی و انقلابی درباره غفلت مردم روزگار در قالب نیمایی به تاریخ تابستان 1346)²، «خاستگاه نور» (شعری با موضوع سیاسی و مذهبی در ستایش پیامبر اکرم در قالب نیمایی به تاریخ مردادماه 1347)³، «ای مادر عزیز همه عالم» (شعری مذهبی در قالب نیمایی درباره حضرت فاطمه زهرا به تاریخ اسفند 1348)⁴، «شب شراب و شب خون» (شعری مذهبی در قالب چهار پاره درباره امام حسین به تاریخ تابستان 1340)⁵، «خورشید پنهان» (قصیده ای غرا در ستایش حضرت امام عصر حجت ابن الحسن به تاریخ آبان 1346)⁶ و؛ **در سایه سار نخل ولایت:** «توحید» (شعری مذهبی در قالب نیمایی در ستایش معبود به تاریخ آذر 1356)⁷، «نماز سرخ» (مثنوی مذهبی درباره خدا به تاریخ دی ماه 1353)⁸، «من چرا» (مثنوی در ستایش خدا به تاریخ اسفند 1350)⁹، «سخنی در عشق» (مثنوی در مناجات خدا)¹⁰،

1- موسوی گرمارودی، سیدعلی، عبور، تهران، 1349، ص 13

2- همانجا، ص 19

3- همانجا، ص 31

4- همانجا، ص 45

5- همانجا، ص 53

6- همانجا، ص 59

7- موسوی گرمارودی، سیدعلی، **در سایه سار نخل ولایت**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

ص 3

1- همانجا، ص 7

2- همانجا، ص 11

3- همانجا، ص 13

خاستگاه نور (تکرار شعری که در ستایش پیامبر در عبور آمده است)، «در سایه سار نخل ولایت» (شعری سپید در ستایش حضرت علی (ع) به تاریخ رمضان 1397 ق)¹، «پناه» (شعری سپید در ستایش فاطمه زهرا به تاریخ اسفند 1348)²، «همراه با تب عاشورایی عالم» (شعری مذهبی در قالب نیمایی درباره قیام امام خمینی به تاریخ عاشورای 1397 ق)³، «ناگاه خنجری سیاه برآمد به سوی خورشید» (شعری سپید درباره امام خمینی به تاریخ محرم 1391 ق)⁴، «وفای رهیاری» (شعری سپید درباره شهادت حضرت عباس بن علی بن ابی طالب به تاریخ زمستان 1353)⁵، «بهاری در خزان» (مثنوی در ستایش حضرت امام حسن عسگری)⁶، «در ستایش رادی» (شعری در قالب نیمایی در سوگ و ستایش شهیدان تشیع)⁷.

تحلیل شعر «خاستگاه نور» شعر مذهبی و سیاسی درباره پیامبر

خاستگاه نور، شعری است که در قالب نیمایی سروده شده است و از عناصر رایج در شعر فارسی (زبان، عاطفه، موسیقی و تصویر)، دو عنصر موسیقی و تصویر

4- همانجا، ص 29

5- همانجا، ص 39

6- همانجا، ص 43

7- همانجا، ص 51

8- همانجا، ص 55

9- همانجا، ص 57

10- همانجا، ص 69

بیشترین تأثیر را در خواننده می گذارند. بدین معنی که شاعر با آوردن قافیه های آهنگین در پایان هر بند شعر، موسیقی بیرونی شعر خود را تقویت کرده است. این موسیقی از همان پاره اول شعر به خوبی توجه خواننده را جلب می کند، مثلاً:

غروبی سخت دیگراست

و ...

که می گویند روزی، روزگاری، مهبط وحی خدا بودست

و نام آن «حرا» بودست

و اینجا سرزمین کعبه بطحاست

و روز از روزهای حج پاکما مسلمان هاست

(ص 31-32 در مجموعه عبور)

یا: و من همراه مرغ ذهن خود، در غار می گردم

و پیدا می کنم گویی نشانی ها که می جویم

همان اوست، اوست

کنار غار، اینجا جای پای اوست، می بینم

(همانجا، ص 33)

دومین ویژگی شعر، داشتن تصاویر فراوان آن است یا به سخنی دیگر، شعر مجموعه ای از تصاویری است که با کلمات بر کاغذ نقش بسته است. این تصاویر وصف حالات شاعر به هنگام سرودن شعر، وصف محیط اطراف او، یا تصاویر خیالی از مجموعه آنچیزی است که در ذهن شاعر گذشته است (مثلاً در ص 31-33، 36) از طرف دیگر،

آنچه موجب تقویت و جذابیت بیشتر این تصویرپردازی ها شده تعابیر ادبی و بدیعی است که شاعر در ضمن اشعار خود آورده است مانند: ذهن خسته (ص 33)، هوای تبتار (ص 32)، مردن خورشید (به جای غروب خورشید، ص 32)، مرغ نوبال (به جای پرنده کوچک، ص 32)، پای نازنین (ص 34)، سیه رگ های شهر (به جای کوچه ها و خیابان های شهر، ص 37)، خون مه (ص 37) و تعابیری چون:

سکوتی ژرف و وهم آلود ناگه چون درخت جادو اندر غار می روید.

و شاخ و برگ خود را در فضای قیرگون غار می شوید (ص 41)

که در واقع بیانی استعاری و ادبی بسیار خیال انگیز از مقوله وحی در نظر شاعر بوده است. از نظر موسیقی و تصویر، شعر خاستگاه نور موسوی گرمارودی را باید تا حدی متأثر از شعر کتیبه مهدی اخوان ثالث دانست؛ چرا که خواننده بی اختیار با ملاحظه این شعر، تصاویر شعر کتیبه را در ذهن مجسم می کند¹. کما اینکه از نظر زبان نیز گاهی تعبیرات این شعر، بعضی تعبیرات اشعار اخوان را به ذهن می آورد مانند: چوپانک، جوانک (ص 32)، پلاس (به جای جامه ژنده، ص 31). بعد از تصویرآفرینی های شعر که

1- نک: اخوان ثالث، مهدی، «کتیبه»، از این اوستا، تهران، مروارید، 1369، ص 9-13

خواننده را همراه شاعر در کنار مکه قرار می دهد، شاعر کم کم از توصیف محض اطراف خود خارج می شود و شعرش رنگ و بوی سیاسی می گیرد. آغاز این تحول معنا در شعر را باید از صفحه 38 به بعد دانست و شاید اختصاصاً از اینجا:

خدای کعبه، ای یکتا

درودم را پذیرا باش ای برتر

و بشنو آنچه می گویم

پیام درد انسان های قرنم را ز من بشنو

پیام تلخ دختر بچگان، خفته اندر گور

پیام رنج انسان های زیر بار، وز آزرده گی مهجور

پیام آنکه افتاده است در گرداب

و فریادش بلند است: «آی آدم ها...»¹

شاعر در ادامه شعر با اشاره به حادثه بسیار معروف تاریخ عصر ساسانی یعنی منع تحصیل کفشگرزاده دوره انوشیروان (ص 40-41) سخن را به پیامی بسیار انسانی و جهانی می کشاند یعنی فریاد از بی عدالتی و ظلم و ستم که جهان را فراگرفته است و خواهان آن می شود که دستی از غیب برآید و به تمام نابرابری ها پایان داده شود.

خدای کعبه، ای یکتا:

فروغی جاودان بفرست. کاین شب ها بسی تاراست

و دست اهرمن ها سخت در کار است

1- این بیت تلمیحی به شعر «آی آدم های» نیما یوشیج دارد.

و دستی را به مهر از آستین باز بیرون کن
که بردارد به نیروی خدایی شاید، این افتاده پرچم
های انسان را
و ...

فرو پیچید به هم طومار قانون های جنگل را
(ص 39-40)

در ادامه شعر، شاعر با تصویر لحظه بعثت پیامبر،
جهان را به انتظار آن بی قرار توصیف می کند ؛ چرا
که تحقق همه آرزوهای انسان ها را در این لحظه می
داند و سپس با نجوای درونی شاعر با خود که با
ابهام همراه بوده شعر پایان می پذیرد.

طاهره صفارزاده (سیرجان 27 آبان، 1315 - تهران 4

آبان 1387) وی پس از گذراندن دوره ابتدایی و
دبیرستان در زادگاه خود، وارد دانشکده ادبیات و
علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و
ادبیات انگلیسی مدرک لیسانس گرفت و به کار در شرکت
بیمه و تدریس در دبیرستان های تهران پرداخت. مدتی
بعد به عنوان کارمند دفتری در شرکت نفت به کار
مشغول شد و بعد در همانجا به اداره نگارش و ترجمه
و ویراستاری انتقال یافت. صفارزاده بعدها برای
ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در رشته نقد تئوری و
عملی در ادبیات درجه دکتری گرفت. وی بعد از انقلاب
اسلامی در ایران در شورای بازنگاری کتب دانشگاهی

حضور یافت و به تألیف کتاب های درسی انگلیسی همت گماشت و چندی نیز عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی شد. از وی تاکنون چند مجموعه شعر به چاپ رسیده است که از آن جمله است: **رهگذر مهتاب** (تهران 1341)، **چتر سرخ** (دانشگاه آووا 1347)، **طنین در دلتا** (تهران 1349)، **سد و بازوان** (تهران 1350)، **سفر پنجم** (تهران 1356)، **حرکت و دیروز** (تهران 1357)، **بیعت با بیداری** (تهران 1358)، **دیدار با صبح** (شیراز 1366)، **مردان منحنی** (شیراز 1366) همچنین از ایشان کتابی با عنوان **اصول و مبانی ترجمه و تحقیق** (تهران 1359) منتشر شده است.

گرچه در مجموعه های شعر خانم صفارزاده شعری اختصاصاً درباره پیامبر اکرم (ص) مشاهده نمی شود، این شاعر را باید از جمله شاعران مذهبی سرای دهه های 40 و 50 ایران دانست. سروده های دو مجموعه شعر **سفر پنجم** و **بیعت با بیداری** عمدتاً رنگ و بوی مذهبی و سیاسی دارد. مهم ترین شعر مذهبی و سیاسی ایشان که در واقع به نوعی با رسالت پیامبر اکرم (ص) نیز بی ارتباط نیست، شعری بلند با عنوان «سفر سلمان» است. این شعر در قالبی نیمایی سروده شده و در مجموعه **سفر پنجم** به چاپ رسیده و محتوای آن داستان تشریف سلمان فارسی به دین مبین اسلام است. شعر، با تصویری از روزگار سلمان در پیش از مسلمانی آغاز می

شود و دغدغه های وی را در راه یافتن به عدالت و
رستگاری به خوبی باز می نمایاند:

دهبان پارسی

بیدار بود

بیدار و بیم دار

شاید که باد مهلك

باد بلا

در قصد سلسله بیداد

در قصد قوم عاد

شورش برد به بود نبود

شورش به ریشه همیشگی ما

از سرزمین تفرقه و دلتنگی

نقبی به چاره باید زد

دنبال دلگشایی وحدت

دنبال داوری و داد

بیدار پارسی

نقبی به راه زد ...

(ص 10-11)

ادامه شعر داستان سرگشتگی سلمان در پناه بردن به
ادیان گوناگون است و تجربه هایی که از هر یک می
اندوزد (ص 12-17) و فریاد و فغان او از ظلم و ستم
پادشاهان بیداد و زهرخند او به دین رایج روزگار
ساسانی یعنی دیانت زرتشتی.

پندار نیک از ما
کردار نیک از ما
دنیای نیک از کسری

دنیای نیک از کسری چرا؟ (ص 18)

سرانجام دهبان پارسی، یعنی همان سلمان، گم‌شده خود را در اسلام و رسالت پیامبر می‌جوید و شاعر با تصویر این تحول فکری، مقام و منزلت سلمان را در پیش از تشریف به اسلام و بعد از مسلمانی در پیش روی خوانندگان می‌گذارد (ص 25-26).

در شعر «سفر سلمان» بی‌آنکه نامی از پیامبر برده شود تأثیر معنوی و حیات بخش دین آن حضرت در پیروان و گروندگان به اسلام بازگفته شده است. از لحاظ ادبی شعر سلمان را باید نوعی منظومه شعارگونه دانست که تقریباً از تعبیر ادبی بدیع یا زبان فخیم یا موسیقی تأثیرگذار بی‌بهره است. گویا شاعر محتوای شعر خود، یعنی هجرت فکری سلمان را آن‌گونه قوی می‌دانسته که آنچنان در بند لفظ پردازی یا تصویرآفرینی نبوده است و از همین نظر مهم‌ترین وجه تمایز اشعار خانم صفارزاده با دو شاعر پیشین، به خوبی آشکار می‌شود. در دیگر مجموعه‌های شعر خانم صفارزاده نیز تا حدی می‌توان همین ویژگی، یعنی قوت معنی و ضعف نسبی لفظ و تصویر را مشاهده کرد.

در پایان باید متذکر این نکته مهم شد که سرایش شعر مذهبی، و اختصاصاً اشعار مذهبی که در ستایش پیامبر سروده شده است، در دهه 40 و 50 تنها به سه شاعر مورد بحث در این نوشته مختص نبوده است و اشعار فراوانی را شاعران بسیاری در مقولات مذهبی و عموماً ستایش پیامبر و ائمه، در دهه مورد نظر سروده اند. اما اینکه چرا پژوهشگر این تحقیق مبنای پژوهش خود را بر اشعار این سه تن متمرکز کرد مستلزم اندکی توضیح بیشتر است. با نگاهی اجمالی به مجموعه شعرهایی که درباره مبعث و رسالت پیامبر منتشر شده است (مانند **بانگ تکبیر**، مجموعه شعرهایی که حسینیّه ارشاد در بعثت نبوی چاپ کرده است) و نیز با عنایت به تفکر بعضی شاعران مذهبی سرای این دوره، مشخص می شود که در بسیاری از این اشعار، شاعران جهت گیری خاص سیاسی نداشته و در سرایش منظومه خود صرفاً درصدد بیان ارادت شخصی خود به پیامبر اکرم (ص) بوده اند و شعرشان در مجموع تقلیدی از مدایح شاعران پیش از خود است؛ به طوری که اگر مجموعه شعرهایی که در ستایش پیامبر (آازغاز شعر فارسی تا دوره معاصر) سروده شده در یک نگاه اجمالی نگریسته شود هیچ تفاوتی از نظر سیاسی یا مذهبی در آن دیده نمی شود و اگر نام شاعران را از ذیل اشعار حذف کنیم نمی توان فهمید که هر یک از این اشعار در چه دوره حکومتی سروده شده است و اوضاع اجتماعی و

سیاسی زمان شاعران کمترین مجالی برای ظهور در نوع نگاه شاعر به رسالت پیامبر نیافته است. عموم اشعار بی قصد سیاسی، بی انگیزه هشدار اجتماعی و بدون رنگ و بوی اصلاح و انقلاب در جهت سروسامان دادن به مظالم و نابرابری های طبقاتی است.¹ از دیگر سو، بعضی شاعرانی هم که گاه شعری مذهبی سروده اند و گویا مقاصد سیاسی نیز در سر می پرورانده اند شعرشان آمیخته ای از مفاهیم مذهبی با اندیشه های عرفانی و گاه ملی و اجتماعی بوده است. مانند بعضی از شعرهای محمدرضا شفیعی کدکنی که به قطعیت نمی توان عناصر صرفاً مذهبی آن را از هم تفکیک کرد.² آنچه این سه شاعر را از دیگر شاعران هم عصر خود متمایز می کند دقیقاً همین دو نکته بود.

شعر مذهبی سیاسی، مقوله ای بسیار ارزشمند و مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است و همان گونه که در مقدمه نیز گفته شد تاکنون تحقیقی جامع در این باره به عمل نیامده است و منابع آن نیز بسیار اندک و محدود بود.

هر چند این تحقیق در طرح مسأله، نوع بررسی اشعار، و شیوه تحلیل سروده ها از منابع مختلف سود برد، باید گفت هیچ یک از منابع تاریخ ادبیات معاصر

1- از جمله نک: بانگ تکبیر، تهران، حسینیه ارشاد، 1347، ص 213-216؛ 260-263؛ 269-272؛ 279-280؛ و ...

2- از جمله نک: به مجموعه های شعرهای از زبان برگو در کوچه باغ های نیشابور از این شاعر

ایران اختصاصاً به این موضوع نپرداخته بودند و جای
آن است که همتی در خور بدرقه انجام این کار شود.